**تحقیق رایگان بررسی افت تحصیلی دانش آموزان حاشیه شهر**

**مقدمه**

حاشیه نشینی یک پدیده شهری مربوط به دهه های اخیر است که به علت مسائل و مشکلاتی که برای ساکنین آن و شهروندان بوجود می آورد، مورد توجه محققان قرار گرفته است و بررسی افت تحصیلی و مردودی دانش آموزان حاشیه شهرها ،شاید یکی از قدیمی ترین و شناخته شده ترین مسائل آموزشی باشد و با این حال به عنوان یک مسئله جدی هنوز مطرح است.

افت تحصیلی موجب هدر رفتن منابع مالی و انسانی فرارانی می شود و بهبود کارایی نظام های آموزشی تا حد زیادی به جلو گیری از اتلاف یا کاهش افت تحصیلی بستگی دارد. خسارات ناشی از شکست تحصیلی،مطالعه جامع و پیگیرانه وضعیت آموزشی و تحصیلی دانش آموزان را می طلبد تا با شناخت عوامل احتمالی ایجاد کننده افت، راه موفقیت بیشتر دانش آموزان را هموار گردد.و در سنوات اخیر ذهن دلسوزان نظام تعلیم و تربیت را به خود مشغول نموده و جهت جلوگیری از این پدیده راهکارهای متفاوتی ارائه شده است. راهکارهای عملیاتی و کاربردی،که بعضأ مثمر ثمر بوده و نتایج مثبتی نیز در برداشته است. در این پژوهش سعی بر این است، افت تحصیلی دانش آموزان حاشیه شهر را بررسی نمایم .

**تعریف حاشیه نشینی**

پژوهشگران و متخصصانتعاریف نظری عملیاتیبسیاری را برای حاشیه‌نشینی ذکر کرده‌‌اند و برای آنمعادلهای فارسی زاغه‌نشینی، کپرنشینی، ‌اسکان غیررسمی- غیرقانونی،کانونهای زیستی خودانگیخته آلونک نشینی، زورآباد، حلبی‌آباد، حصیرآباد برای واژه‌هایتخصصی: کرده‌اند. هر یک از مفاهیم فوق دارای بار معنایی ومفهومی خاصی مستتر در دیدگاهی دارد که آن واژه را به کار می‌برد.

زاهد زاهدانی در کتاب خود تعریفی بر اساس حاشیه نشینان ایران ارائه میدهد: حاشیه نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و غیرماهرند. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یکسو و بر اثر عوامل پس ران شهری و از سوی دیگر از محیط شهری پس زده میشوند و به تدریج در کانونهای به هم پیوسته و یا جدا از همدیگر در قسمتهایی از شهر سکنی میگزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آن غالبا غصبی است، همچنین حاشیه نشینان ازنظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی با جمعیت شهری تمایز دارند

**وضعیت خانه‌ها و فضای منطقه حاشیه شهر و ارتباط آن با افت تحصیلی دانش آموزان**

اولین مسئله‌ای که در نظر بیننده بیان‌کننده و نشان‌دهنده موقعیت حاشیه‌ای شهرها است، کالبد و نمای ساختمان‌های این محله و بافت ناهمگون و هرج‌ومرج موجود در آن است. شمالی و جنوبی بودن خانه‌ها رعایت نشده است و هر شخصی بنا به ذهنیت خود، پایگاه روستایی و وقت و هزینه ممکن اقدام به استقرار بنا در منطقه کرده است و بعضی از خانه‌ها حتی پنجره ندارند و در کل کمتر خانه‌ای دارای پنجره‌ای مشرف به کوچه است.

نمای ساختمان‌ها بسیار نامنظم و بی‌هویت است ولی همین نمای برای مالک ه معنای رها شدن از پرداخت اجاره ماهیانه است. بعضی از منازل یا فاقد حیاط بوده یا حیاط آنها بسیار کوچک است. بر روی پشت‌بام اکثر خانه‌ها دیش‌های ماهواره وجود دارد.

ممنوعیت ساخت‌وساز و مالکیت دولت و شهرداری بر زمین‌های منطقه و در نتیجه غیرقانونی بودن هر نو ساختمان‌سازی برای واحد مسکونی شخصی باعث شده است تا اهالی به صورت غیر مجاز اقدام به ساخت خانه می‌کنند و در نتیجه مصالح مصرف‌شده گران و با بهای بیشتری به سر ساختمان می‌رسد، همین مواد و مصالح نامرغوب است و حداقل استاندارهای ساختمان‌سازی نیز رعایت نمی‌شود.

فضای درونی تمامی خانه‌ها علی‌رغم متراژ متفاوت تقریبا به یک شکل است؛ دور تا دور اتاق اصلی پشتی چیده شده است و در یک گوشه آن تلویزیون و در گوشه دیگر آن کمد یا گنجه‌ای با دو یا سه در وجود دارد. به ندرت خانه‌ای دارای مبلمان است. بیشتر خانه‌ها فاقد اتاق‌های مجزا هستند همه اعضای خانواده با هم در یک اتاق (اتاق پذیرایی) می‌خوابند.

بعضی از مناطق حاشییه شهرها فاقد هرگونه امکانات رفاهی و فرهنگی است؛ مدرسه‌ای در این منطقه وجود ندارد و فرزندان اهالی باید به مکانهایی دورتر بروند که زمان می‌برد وباعث ترک تحصیلی و افت تحصیلی دانش آموزان می شود ، تقریبا هیچ کس از پل عابر پیاده‌ای برای این کار استفاده نمی‌کند. منطقه فاقد فضای ورزشی یا پارک است. برخی از خانواده‌ها می‌گفتند که تا به حال فرزندانشان را به پارک نبرده‌اند. پسران بیشتر اوقات فراغتشان را در کوچه‌ها می‌گذرانند و دختران یا دم در خانه‌ها با مادرهایشان هستند و یا تلویزیون می‌بینند.

**تعریف افت تحصیلی**

در زبان فارسی، برای شکست تحصیلی بیشتر از کلمهء افت تحصیلی استفاده می‏شود. ورود به مدرسه نقطه آغازی برای حرکت مداوم در مسیر آموزش است اما در بین راه عواملی موجب کند شدن حرکت دانش آموزان در مسیر تحصیل یا ترک تحصیل آنها می شود. این مسئله هر سال مقدار زیادی از منابع مالی انسانی را به هدر می دهد و آثار مخرب و جبران ناپذیر در حیات فردی و اجتماعی فرد بر جای می گذارد (سلسبیلی، قاسمی، ۱۳۸۴ :۲۸). افت تحصیلی نوعا فردی را در بر می گیرد که مدرسه را ترک می کند و با کلاس خود فارغ التحصیل نمی شود.

**عمد‌ه‌ترین د‌لائل افت‌ تحصیلی**

1- عوامل فرد‌ی: شامل هوش، توجه و د‌قت، انگیزه، هیجانات و آشفتگی‌های عاطفی و نارسائی‌های جسمی.

2- عوامل خانواد‌گی: شامل روابط خانواد‌گی، فقر مالی و اقتصاد‌ی، فقر فرهنگی والد‌ین، فقد‌ان والد‌ین یا والد‌.

3- علل آموزشی مد‌رسه: شامل شیوه تد‌ریس معلم، برنامه د‌رسی مد‌رسه، پیشد‌اوری معلم، شرایط فیزیکی کلاس، ارزیابی‌های ناد‌رست معلمان از عملکرد‌ د‌انش‌آموزان، پایین بود‌ن نسبت معلم به د‌انش‌آموزان، کمبود‌ معلم مجرب، آموزش‌د‌ید‌ه و علاقه‌مند‌ به تد‌ریس و تحت پوشش قرار نگرفتن د‌انش‌آموزان واجب‌التعلیم.

**عوامل محیطی موثر بر افت تحصیلی حاشیه شهرها**

بررسی منابع مطالعاتی شامل گزارشهای پژوهش ها، رساله ها، مقاله ها و کتابهای مرتبط و بررسی میدانی شامل مصاحبه با صاحب نظران و اندیشمندان در زمینه شکست تحصیلی نشان می دهد که مهمترین عامل بیرونی موثر بر شکست تحصیلی، عامل اقتصادی- اجتماعی است. محرومیت خانواده و فقر اقتصادی آنها به ویژه در مناطق حاشیه ای شهری و مهاجرنشین و مناطق دور افتاده روستایی بالاترین درجه تاثیرگذاری را بر شکست تحصیلی دانش آموزان داشته است. همچنین عواملی چون محرومیت های فرهنگی ناشی از ارزشهای سنتی و رسوم کهنه و دست و پاگیر به ویژه در مورد ترک تحصیل دختران، فقر سواد فرهنگی و اجتماعی، عدم ارزش گذاری برای علم، شکاف فرهنگی، امکانات ضعیف رسانه ای و ارتباطی، رسیدگی ضعیف والدین در شکست تحصیلی بسیار تاثیر گذارند.

در ایران به ویژه در مناطق محروم حاشیه ای، مناطق مهاجر نشین و مناطق محروم و روستایی عواملی چون فقر محیطی، تفاوتها و نابرابریهای امکانات نسبت به مناطق شهری و مرفه، سوء تغذیه، عده زیاد افراد خانوار، کار کردن دانش آموز به سبب فقر اقتصادی و در نتیجه ناتمام گذاشتن تحصیلات حتی در دوره ابتدایی از عمده موارد موثر بر شکست و افت تحصیلی هستند.

یکی از عوامل موثر بر رشد تحصیل را می توان شرایط محیطی محل درس خواندن دانست که شامل شرایط خانه و منطقه زندگی ست.

**بررسی دلایل دانش آموزان حاشیه شهر برای درس نخواندن**

داشتن آینده‌ای روشن و تضمین‌شده برای اکثر نوجوانان و جوانان در این منطق تعریف‌نشده است به بیان دیگر این گروه زندگی آینده خود را بسیار مبهم می‌بینند. تصور دست‌یابی به یک زندگی موفق بر پایه داشتن تحصیلات دانشگاهی برای اکثر آنها غیرممکن یا خارج از لیاقت و توانایی‌هایشان است.

”فکرشو بکن که درس بخونم آخرش دانشگاه آزاد قبول بشم... هزینه‌شو که نداریم پس از الان بی خیال بشم بهتره“

”دکتر؟ مهندس؟ این سوسول بازیا مال ما نیست، ما از این شانسا نداریم“

”بیشتر دوستام که همسایه هم هستیم درساشونو ول کردن... درس بخونیم که چی بشه ... الان بیشتر خوش می‌گذره“

”دلم می‌خواد درس می‌خوندم ولی الان که نمیشه، بابام مریضه، یکی باید بره سر کار یا نه؟ بعدش هم توی مدرسه معلم‌ها بداخلاقن حوصلشونو ندارم، فقط به بچه زرنگ‌ها توجه می‌کنن، ماها ول معطلیم“

آرزوهایی که این نوجوانان و جوانان برای خود دارند، ربطی به تحصیل ندارد. در نظر گرفتن شانس و اقبال و خود کم‌بینی باعث می‌شود به راحتی خود را جدا از فضای تحصیلی بدانند و وقتی مدرسه را ترک می‌کنند ناراحت نباشند و یا وانمود کنند که دیگر برایشان مهم نیست.

**نابرابری امکانات آموزشی**

دانش‌آموزان برای موفقیت در نظام آموزشی کشور ایران اغلب نیازمند برنامه کمک آموزشی خارج از فضای مدرسه هستند. عدم امکان دسترسی تمامی دانش‌آموزان به چنین برنامه‌هایی باعث ایجاد اختلاف در توان و دانش علمی میان دانش‌آموزان می‌شود که در نهایت در رویارویی آنها در رقابتی نابرابر به نام کنکور به شکلی آسیب‌شناسانه نمود می‌یابد. کلاس‌های آموزشی خارج از مدرسه، معلم خصوصی، کلاس زبان انگلیسی، کتاب‌های کمک آموزشی و به تازگی سی‌دی‌های کمک درسی همگی امکاناتی هستند که برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه غیر‌قابل دسترس هستند و این تفاوت سبب می‌شود دانش‌آموزانی محروم از این امکانات به تدریج عزت نفس خود را از دست بدهند و به درس و مدرسه بی‌علاقه شوند؛ چرا که توانایی رقابت با دیگر هم‌کلاسی‌های خود را ندارند. لزوم دسترسی به این امکانات در دو دوره راهنمایی و دبیرستان بیشتر می‌شود و این درست هم‌زمان با افت تحصیلی بیشتر و در نهایت ترک تحصیلی تعداد زیادی از دانش‌آموزان در این منطقه است. آموزش حتی در مدارس دولتی به ظاهر رایگان است، در نهایت خانواده‌ها برای تهیه کتاب‌های کمک آموزشی و گاهی معلم خصوصی باید هزینه‌هایی را پرداخت کنند که خانواده‌های بخش‌های محروم و حاشیه‌ای توانایی اقتصادی تأمین چنین هزینه‌هایی را ندارند. باید در نظر داشت که برخی از این خانواده‌ها حتی در تأمین نیازهای غذایی فرزندان خود دچار مشکل هستند. در میان پاسخگویان حتی یک مورد هم یافت نشد که از امکانات آموزشی خارج از مدرسه مانند کلاس زبان انگلیسی یا کلاس‌های تقویتی استفاده کند.

”مدرسه‌های خوب مال از ما بهترونه... اینجا که مدرسه‌اش هم دوره، هم شلوغ پولوغه ... پراز بچه‌های لات و لوت... درس نخونه کمتر ضرر می‌کنیم“ (مادر یک از نوجوانان در سن تحصیل).

خانواده‌هایی که فرزندانشان با افت تحصیلی مواجه می‌شوند اکثرا پرجمعیت، غیرفارسی‌زبان و با شرایط نامساعد اقتصادی هستند. عدم تسلط به زبان فارسی در دوران دبستان باعث بروز مشکلاتی برای دانش‌آموزان در یادگیری و درک مطالب درسی می‌شود. برخی از خانواده‌هایی که تازه از روستا به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، با زبان فارسی آشنایی ندارند و حتی دیکته گفتن به فرزندان هم برایشان ممکن نیست. این خانواده‌ها کمتر فرصت دارند تا با معلمان فرزند خود در ارتباط باشند.

**نتیجه‌گیری**

تلاش برای کاهش یا حذف پدیده شکست تحصیلی، گذشته از کاهش آسیب‌های اقتصادی، باعث کاهش مشکلات روانی و اجتماعی در سطح جامعه و در نتیجه موجب تقویت سرمایه‌های انسانی کشور می‌شود. یکی از شاخص‌های توسعه انسانی دسترسی به آموزش است، توانایی خواندن و نوشتن در سطح ابتدایی لزوما به معنای رشد این شاخص نیست. درست است که در منطقه مورد مطالعه اکثر افراد باسوادند، ولی سواد آنها فقط در حد خواندن و نوشتن است.

شرایط محیطی در داخل خانه‌ها و بافت اجتماعی و اقتصادی منطقه یعنی آسیب‌های خاص مناطق حاشیه‌ای و بدنامی اجتماعی؛ باعث شده است تا تحصیل از اولویت بسیاری از خانواده‌ها حذف شود. به خصوص خانواده‌هایی که ساکنان جدید این منطقه بوده و به لحاظ اقتصادی و فرهنگی مشکلات بیشتری دارند. زبان و گویش‌های غیر‌فارسی در اکثر خانواده‌ها کند شدن فرایند یادگیری فرزندان را سبب می‌شود. غیرکاربردی بودن بسیاری از درس‌ها یکی دیگر از زمینه‌های ایجادکننده گسست دانش‌آموزان از مدرسه و تحصیل به شمار می‌آید.

خانواده‌هایی که فرزندان خود را به ادامه تحصیل تشویق می‌کنند، در واقع بر‌خلاف فرهنگ غالب عمل می‌کنند زیرا برعکس ساکنان دیگر مناطق شهری که موفقیت تحصیلی را یک هنجار می‌دانند، در اینجا خانواده‌ها باید انگیزه‌های مضاعفی برای فرزندان خود ایجاد کنند. عدم وجود نهادهای مکملی مثل کتابخانه یا مکان‌های فرهنگی نیاز به توجه و رسیدگی والدین را افزایش می‌دهد. موفقیت تعدادی از فرزندان در ادامه تحصیل حتی تا مقطع دانشگاه نشان از اهمیت خانواده و نگرش آن است که حتی می‌تواند عوامل محیطی را تحت تأثیر قرار دهد. خانواده‌های باثبات می‌توانند در چنین مناطقی هم در پی هنجارسازی تحصیل برای فرزندانشان باشند. خانواده باثبات و باانگیزه به عنوان منبعی برای کنترل اجتماعی و سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید.